

سفر از دیروز تا امروز

آنچه که امروز گردشگری اش می‌نامند حاصل کوشش‌ها و مبارزات کاشفان و مهاجران اولیه تمدن بشری است.

حرکت آنان آنقدر مهم بوده است که گروهی از تاریخ نگاران را معطوف به این نظر کرده است که این مهاجران بوده‌اند که میدان‌های جدید تمدن بشری را در هر دوره پدید آورده‌اند. این تاریخ نگاران سلسله‌ای از مهاجرت‌ها را پدید آورده‌اند که تحرک تمدن در هر دوره از تاریخ توصیه می‌کند. بر این اساس هر مهاجرت بزرگی میدان را برای یک تغییر مهم در فرهنگ، اقتصاد و حتی سیاست آماده کرده است. پیش از آن هر یک از این مهاجرت‌ها معمولاً ناراضیان بوده‌اند. آن‌ها نمی‌توانستند نظم موجود را قبول کنند و به همین دلیل از طریق مهاجرت کوشش می‌کردند تا در جایی دیگر خواسته‌های خود را تحقق بخشند. یکی از بهترین نمونه‌های این مهاجرت‌ها هجرت حضرت رسول بود که تاریخ آن سرآغاز تاریخ جدید هجری شد. در سرآغاز مهم‌ترین مهاجرت‌ها می‌توان از وجوهات مهم آن‌ها نام برد. اولین آن مهاجرت اولین گروه‌های انسانی از مرکز آفریقا به حاشیه رود نیل در مصر بود که تمدن مصر را بنیان نهاد. دومین آن‌ها مهاجرت قوم آریا از مرکز و شمال آسیا به جنوب و غرب بود که در فرجام خود تمدن هنری، ایرانی از آن پدید آمد. آخرین مرحله مهاجرت اخیر همان هجرتی است که از اروپا به آمریکا انجام شد. امروز که دیگر جایی در زمین نمانده تا این کاشفان ره به سویش بگشایند، اینست که موشک می‌سازند و می‌خواهند کرات دیگر را کشف

کنند. تاریخ نشان می‌دهد که آن تمدنی که نیروی کشف و مهاجرت در آن قوی باشد قادر است در ایجاد تمدن‌های جدید بشری نقش مهمی را بازی کند.

اگر نگاهی به زندگی این کاشفان سرزمین‌های ناشناخته بیاندازید آن‌ها را شخصیت‌هایی بسیار خود ساخته، فردیتی متکی به نیروی خود، کنجکاو و عاشق شناسایی خواهید کرد. بنابراین اولین گروه گردشگران، کاشفان و دومین آن‌ها، مهاجران، بوده‌اند. اینان را می‌توان بنیانگذاران تمدن‌های متنوع بشری دانست. سومین جهش در گردشگری رویدادی بود که گردشگران امروز را به وجود آورد.

این رویداد به دلایلی چون ظهور انقلاب صنعتی، ظهور اقشار متوسط، ورود خیل بسیاری از مردم به عنوان نیروی تقاضا در مقابل نیروی عرضه حاصل از این انقلاب ظهور نظریه رفاه اجتماعی و ضرورت توسعه ارتباطات و مبادلات ظاهر شد. بعلاوه آن نیروی قوی در درون هر بشری که کنجکاوی و تمایل به ارتباط با محیط‌های جدید است، این بار در قلمرو قاعده‌ای اقتصادی قرار گرفت. اگر انگیزه گردشگری در کاشفان اولیه ردیابی قلمروهای جدید جغرافیایی بود،

انگیزه این گروه جدید نه در کشف سرزمین‌های جدید و تنها در گردشگری بلکه در میزبان نیز پدید آمد. از طریق ارضاء نیاز آن‌ها به تنوع طلبی و فراغت ظاهر شد. این تحول معکوس این بار یکسویه نبود. اکنون محلی که این گردشگران انتخاب می‌کردند می‌خواست چون یک موضوع جذاب خود را عرضه کند و سهم بیشتری از پس‌انداز این گردشگران را نصیب خود گرداند. روزگار ناچار بودند با لباس مبدل و به‌طور

ناشناس به منطقه‌ای از جهان سفر کنند. اما در شرایط جدید وضع کاملاً معکوس شد. اکنون نه تنها لزومی به پنهان کاری نیست بلکه یکی از علائم موفقیت و توسعه در عرصه گردشگری آن است که میزبان بتواند توقعات این گردشگران را شناسایی و زمینه را برای ارضای آن‌ها فراهم کند. اگر آن‌چه در قلمرو کوشش کاشفان اولیه وجود نداشت فراغت بود اکنون آنچه مهم بود آن بود که میزبان دو انگیزه فراغت و کنجکاوی را تبدیل به نیروی برای کسب درآمد خود کند. اگر در دوره قبلی موضوع کشف نقشی اداری و آگاهانه در ایجاد تمایل در کاشفان اولیه خود داشت. این بار این موضوع یعنی همین انگیزه کشف به صورت نمایشی از کشف درآمد در عوض فراغت و مجموعه‌ای از عوامل ارضا کننده آن، جایش را گرفته‌اند. در دوره قبل نیروی کنجکاوی بود که انگیزه اصلی کاشفان اولیه را به وجود آورد. این نیرو حتی آنقدر قوی بود که می‌توانست سایر صورت‌های عقلانی و محافظه کارانه را در جلوگیری از خطرپذیری و دستیابی به فراغت نادیده بگیرد. این بار با پیوند فراغت به نیروی کنجکاوی آن‌چه مهم است امنیت و کاهش ریسک‌پذیری، در مقابل افزایش خدمات است. به عبارت دیگر ارائه خدمات مختلف توسط میزبان برای افزایش قدرت ارضاء فراغت میهمان خود به صورت نیروی درآمد است که می‌تواند پول در جیب این کاشفان جدید را نصیب خود کند. در مقاله بعدی به سطوح مختلف این دانایی خواهیم پرداخت.

